

## شیوه ها و ضوابط نقد روایات تفسیری در تفسیر الاثری الجامع از دیدگاه آیت الله معرفت

فاطمه بدری پور<sup>۱</sup>، محمدمهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، از حوزه علمیه امام خمینی، بندر امام خمینی، پژوهشگر، مدرس (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

<sup>۳</sup> دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر مطالعات اسلامی و مدرس دانشگاه

### چکیده

روایات تفسیری، یکی از مهم ترین منابع فهم آیات قرآن است که به تصریح علما، در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده اند. بنابراین برای شناخت روایات درست از نادرست به ضوابط و مبانی نیاز است. آیت الله معرفت برای شناخت روایات ضوابطی ارائه کرده است از جمله: بررسی سندی روایات، بررسی صدور روایات و بررسی محتوایی روایات. ایشان معتقد است که در ارزیابی روایات تفسیری بررسی سندی، نقش درجه اول ندارد. البته ایشان به طور کلی منکر نقش آن نیست، اما برای آن نقشی ثانویه قائل است. نقد متنی روایات را مهم تر دانسته و می فرماید: اگر متن روایت کاملاً قابل قبول بود، هر قدر هم سند ضعیف باشد، پذیرفته می شود، ولی اگر روایت از نقد متن مردود بیرون بیاید، هر قدر سند قوی باشد، پذیرفته نیست. مهم ترین معیارهای نقد متنی از نظر آیت الله معرفت: عرضه روایات بر قرآن، عرضه بر سنت قطعی، عرضه متن روایات بر اصول و بدیهیات عقلی. البته ایشان معیارهای دیگری نیز ارائه کرده اند.

**واژه‌های کلیدی:** روایات تفسیری، بررسی متنی، بررسی سندی، بررسی صدور، آیت الله معرفت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه:

یکی از مهمترین منابع شناخت و فهم آیات، سنت و حکایت‌گر آن یعنی روایت است که به آنها روایات تفسیری گفته می‌شود. این روایات به تصریح علما، در طول تاریخ به دلیل وجود پدیده جعل، نفوذ اندیشه اهل کتاب در قالب اسرائیلیات و فهم نادرست راویان گرفتار آسیب‌هایی شده‌اند. بنابراین برای شناخت روایات درست از نادرست به ضوابط و مبانی نیاز است که بدون شناخت و آشنایی با ضوابط فهم روایات و نیز مبانی نقد آن، نمی‌توان از این روایات بهره جست. در این جا برآنیم ضوابط و معیارهای نقد روایات را از دیدگاه آیت الله معرفت بررسی کنیم و ببینیم آیت الله معرفت چه معیارهایی را برای نقد و پذیرش روایات مطرح کرده است.

## بررسی سندی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت

در این قسمت، روایت از نظر سندی بررسی می‌شود. برای این امر، دانش رجال پایه‌گذاری و در بین شیعه و اهل سنت کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشته شد. از این‌رو، هنگام نقل حدیث، سلسله راویان مورد بررسی و خبر واحد در یکی از اقسام صحیح، حسن، موثق و ضعیف قرار می‌گیرد. بیشترین کاربرد شیوهی بررسی سند در احادیث فقهی است، اما احادیث تفسیری زیادی که در تفاسیر شیعه و اهل سنت نقل شده است نیز به بررسی سندی نیاز دارد. برخی مفسران نیز گاهی به بررسی سندی این گونه احادیث پرداخته‌اند.

البته در باره کاربرد شیوهی بررسی سندی در روایات تفسیری و تقدم آن بر بررسی محتوایی اختلاف نظر وجود دارد. (رضایی اصفهانی، بی تا: ۱۶۹؛ حکیم زاده، معارف: بهار ۹۳، ص ۵۵؛ مسعودی، بی تا: ص ۷-۶).

در این قسمت به بررسی دیدگاه آیت الله معرفت در این باره می‌پردازیم.

دیدگاه آیت الله معرفت نسبت به روایات تفسیری متفاوت است. از نظر ایشان در ارزیابی روایات تفسیری بررسی سندی نقش درجه اول ندارد و چندان سودمند نیست (معرفت، ۱۳۸۷ش: ج ۱/ ص ۲۱۹) و این امر به آفت‌های سه گانه‌ای برمی‌گردد که دامن‌گیر این دسته احادیث شده است. این آفت‌ها عبارتند از:

۱. ضعف سلسله سندها و ارسال آنها یا حذف کامل اسناد.

۲. رواج حدیث‌پردازی و تزویر در این باب.

۳. فراوانی اسرائیلیات در تفسیر و تاریخ نقلی را کم‌ارزش و کم‌اعتبار می‌سازد. (معرفت، ۱۳۷۹: ج ۲/ ص ۲۵).

وی بر این باور است که نقد سند در مورد روایت‌هایی که به این آفت‌ها گرفتار شده‌اند، چندان کارساز و نتیجه بخش نیست و آنچه در مورد این روایت‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است، نقد متنی آنها است و با اشاره به روایاتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) در مورد چگونگی نقد و بررسی روایات منقول از آن بزرگواران می‌نویسد: «بنابراین اولین معیار برای جداسازی روایت‌های قوی از روایت‌های ضعیف، عرضه آنها بر محک‌های دین است، همچون عرضه آیه‌های متشابه قرآن بر آیه‌های محکم؛ کاری که پس از یاری جستن از خدای بلند مرتبه توانا، تجربه و احاطه همه جانبه را می‌طلبد. اما بحث از سندها بحثی جانبی و در بیشتر اوقات بی‌نتیجه است، چراکه بسیاری از روایات مرسل و بسیاری از راویان مهمل و بدون شرح حال‌اند. افزون بر این، همان‌طور که احتمال ساختگی بدون متون وجود دارد، وارد شدن چیزی در اسناد هم ممکن است. پس در هر حال راه عرض بر محک‌های مناسب‌تر و نتیجه بخش‌تر است.» (معرفت، ۱۳۸۷ش: ج ۱/ ص ۲۲۲).

البته ایشان به کلی منکر نقش بررسی سندی نیست، اما برای آن نقشی ثانویه قائل است.

«راه تمحیص و ارزیابی روایات تفسیری بررسی محتوای آنها از نظر بلندای محتوا و قوت معنا پیش از ملاحظه اسناد است، گرچه اسناد هم نقشی در اعتبارسنجی دارند، ولی نقش آنها در رتبه دوم است، برخلاف روش بعضی از متأخران که تنها اهتمامشان به سندهاست و قوت و اعتلای محتوای را بررسی نمی‌کنند.» (همان)

گو اینکه، همین نقش درجه دوم را هم کم‌رنگ کرده است. و در نهایت حسب تصریح ایشان، این تنها متن است که در نقد حدیث تعیین کننده است. «ارزش خبر واحد در تفسیر و تاریخ، تنها با در نظر گرفتن خود متن تعیین می‌شود، نه سند آن.» (معرفت، ۱۳۷۹: ج ۲/ ص ۲۵).

### وجوه اهمیت دیدگاه آیت الله معرفت در اعتبارسنجی روایات تفسیری

اصل دیدگاه آیت الله معرفت در تعیین کننده نبودن سند نسبت به روایات تفسیری بسیار با اهمیت است، مخصوصاً اگر توجه کنیم که بیشتر آنچه امروزه در این باب در دسترس است، فاقد سند صحیح است. بیشتر مصادر تفسیر روایی شیعه، از این حیث وضع روشن و قابل قبولی ندارند.

به همین دلیل است که بسیاری از دانشوران، حتی با وجود اعتقاد به لزوم ملاحظه تفسیر معصومان (علیهم السلام) عملاً از این منبع عظیم تفسیر قرآن دست شسته یا به حداقلی از آن بسنده کرده‌اند. اینجاست که اهمیت انصراف بررسی سند به جوانب دیگر مانند متن حدیث آشکار می‌شود.

اینکه آیت الله معرفت، نقل‌های معتبر در تفسیر قرآن را به احادیث معصومان (علیهم السلام) منحصر نمی‌کند، دیدگاهی قابل توجه است و مسأله تفسیر مآثور را تا حد زیادی متحول می‌کند. (اخوان صراف، بی تا: ص ۱۱۳ - ۱۱۲).

### نقد و تحلیل دیدگاه آیت الله معرفت درباره بررسی سندی روایات

دیدگاه پیش گفته از آیت الله معرفت در خصوص روایات تفسیری، پرده از نکته‌ای بسیار دقیق برمی‌دارد که غالباً مورد غفلت است. واقعیت آن است که اطلاعات سند، حکم مواد اولیه در ارزیابی روایت را داراست و باید پردازش شود. ارزش حدیث را اطلاعات سند آن تعیین نمی‌کند، بلکه اعتبار روایات، محصول پردازشی است که بر این اطلاعات انجام می‌شود. اطلاعات سندی، مثل ضعف به خاطر ارسال را نباید مستقیماً در اعتبارسنجی حدیث مصرف کرد.

به عبارت واضح‌تر، قوت و ضعف سند، لزوماً حدیث را معتبر و نامعتبر نمی‌کند، بلکه در فرآیند اعتبارسنجی به کار می‌آید. آیت الله معرفت به این نکته متنبه است. این است که ضعف اسناد روایت تفسیری او را از آن ناامید نمی‌کند، بلکه به این نتیجه می‌رساند که نسبت به روایات این چنینی بررسی سندی مفید یا سودمند نیست و باید راه دیگری در اعتبارسنجی رفت و آن بررسی متنی است. پس روایت ضعیف کنار گذاشته نمی‌شود، بلکه برای اعتبارسنجی وارد چرخه‌ای دیگر می‌شود. (اخوان صراف، بی تا: ص ۱۱۳؛ مسعودی، بی تا: ص ۱۰ - ۹؛ رجایی، بی تا: ص ۳۷۴ - ۳۷۳؛ شهیدی، توسلی، بهار و تابستان ۹۴: ص ۳۷)

اما ملاحظه‌ای که بر کلام ایشان در این باب به ذهن می‌آید، آن است که جایگاه بررسی سندی در نهایت واضح نیست که بالأخره نقش درجه دوم دارد یا در اکثر موارد عقیم است و نقش ندارد و یا به کلی فاقد نقش است؟

شاید نظر ایشان این بوده است که اسانید اخبار آحاد به عنوان قرینه‌ای در کنار سایر قرائن در تعیین تکلیف روایت نقش دارند، اما نقش متن از لحاظ زمانی و رتبی بر آن مقدم است به این بیان که ابتدا متن روایت، با معیارهایی که ایشان ارائه کرده‌اند، بررسی می‌شود، چنانچه کاملاً قابل قبول بوده، هر قدر هم سند ضعیف و وضع آن بد باشد، به حدیث ضرری نمی‌زند و

چنانچه حدیث از نقد متن مردود بیرون آمد، قوت و صحت سند به آن کمکی نمی‌کند، اما مابین این دو وضعیت، سند به عنوان قرینه‌ای در کنار قرائن دیگر ممکن است باعث تقویت یا تضعیف حدیث شود. (اخوان صراف، بی تا: ص ۱۱۴ - ۱۱۳)

### بررسی محتوایی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت

در بحث قبل بیان شد که آیت الله معرفت معتقد است که ضعف اسناد روایات باعث کنار گذاشتن آنها نمی‌شود بلکه ایشان معیارهایی را برای اعتبارسنجی متن روایات بیان می‌کنند. البته به دست آوردن معیارهای دقیق نقد متنی در دیدگاه وی چندان آسان نیست، ولی در این قسمت به مهمترین آنها می‌پردازیم. قبل از بیان معیارهای نقد متنی ایشان مراحل را برای کشف قناع نهایی از آیات بیان کرده است که برای بررسی‌های بیشتر ابتدا به آن می‌پردازیم.

### مراحل سه گانه کشف و قناع از آیات آیت الله معرفت

در مقدمه التفسیر الاثری الجامع، آیت الله معرفت از مراحل سه گانه‌ای سخن می‌گوید که در تفسیر وی برای رسیدن به تفسیر آیات طی شود. (معرفت، ۱۳۸۷ش: ج ۱/ صص ۲۴۷-۲۴۸) مرحله اول برای به دست آوردن دلالت‌های ذاتی آیات است و مراحل دوم و سوم برای تکمیل و رعم این دلالت‌هاست.

### استخراج دلالت‌های ذاتی آیات

از نظر آیت الله معرفت آیات قرآن عموماً دلالت‌هایی ذاتی دارند که اولاً از چارچوب خود آیات به دست می‌آیند و چنانچه ابهامی باقی ماند، قرائن و شواهد دیگری که تأثیر مستقیم در فهم معانی دارند، جست و جو می‌شوند. این قرائن و شواهد عبارت از دلالت‌های ظاهری سایر آیات و پس از آن تصریح احادیث صحیح سلف صالح یا شاهد نزول‌های محکم و معتبر و سایر شواهد، با مختصه دخل مباشر داشتن در معنا، است. وی این مجموعه را اصول و مبانی ذاتی تفسیر می‌خواند. ایشان برای اینکه ابهام یک آیه را دلالت‌های ظاهر آیات دیگر می‌تواند رفع کند چنین دلیل می‌آورد که بعض قرآن بعضی دیگر را توضیح می‌دهد و شاهد آن است.

و این را معنای استنطاق قرآن می‌داند، آن جا که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱/ ص ۶۱)

### گردآوری همه روایات سلف درباره آیه

ایشان بر لزوم ملاحظه روایات سلف در فرآیند تفسیر، به یکی از مبانی کلامی استنباط از قرآن تمسک می‌کند و بر این مبنا از خود قرآن دلیل می‌آورد. آن مبنا این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همه قرآن را برای امت تفسیر کرده و اگر چیزی از آن به ما رسیده باشد، ما موظف هستیم در تفسیر جایگاه مناسب به آن بدهیم. برای اثبات بخش اول این ادعا، چنین استدلال می‌کند که طبق صریح قرآن تبیین آیات قرآن به آن حضرت رسیده و ایشان موظف بوده‌اند برای مردم بیان و مبهمات را به ایشان تفهیم کنند و مجملات را برای ایشان تفصیل دهند. (نحل/۴۴)

و شکی نداریم که ایشان این وظیفه را تمام و کمال به انجام رسانده‌اند. پس آن حضرت مشاغل این کتاب را حل و از ابهامات آن به طور کامل پرده برداشته‌اند. اما اینکه اگر از این بیانات چیزی به ما رسیده ما موظف به اخذ آن هستیم با توجه به مبنای کلامی دیگر که حجیت سنت قولی و فعلی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ثابت است. برای همین منظور گام دوم برداشته می‌شود که گردآوری همه روایات تفسیری از سلف درباره آیه است.

مراد ایشان از سلف، اولاً پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سپس صحابه و تابعان و در رأس آنها، معصومان (علیهم السلام) هستند. آیت الله معرفت معتقد است می‌توان روایات صحیح زیادی یافت که دلالات ذاتی گام اول را تقویت و تکمیل می‌کند. (اخوان صراف، بی تا: ص ۱۱۶ - ۱۱۴)

### تمحیص روایات گردآوری شده

گام سوم نقد و پالایش روایات گردآوری شده به منظور رسیدن به بخش اطمینان‌آور آن است. در دیدگاه آیت الله معرفت معیار درجه اول اعتبار یک نقل تفسیری، ابهام‌زدا و معرفت‌زا بودن آن نسبت به آیات است هرچند از امامان معصوم (علیهم السلام) نبوده، از صحابی دانشمند یا تابعی بزرگی باشد.

ایشان در این باره نوشته است: «محتوای حدیثی که وارد شده تا ابهام موجود در یک موضوع را برطرف کند در نظر گرفته می‌شود و خود متن خبر، شاهد صدق آن خواهد بود و اگر ابهام را برطرف نکند - هرچند از نظر سند صحیح باشد - دلیلی بر پذیرش تعبدی آن نداریم. بنابراین حدیث مأثور از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یا یکی از امامان معصوم (علیهم السلام) یا فردی از دانشمندان صحابه یا بزرگان تابعان، اگر شناخت ما را نسبت به موضوع افزایش دهد یا ابهام موجود در لفظ قرآن یا معنای آیه را برطرف کند، همین ویژگی گواه صدق و درستی آن است». (معرفت، ۱۳۷۹: ج ۲/ ص ۲۵-۲۶)

ایشان برای شناخت‌آوری و ابهام‌زدا بودن یک حدیث نسبت به آیات، معیاری ارائه نکرده‌اند، اما از گام سومی که برای رسیدن به تفسیر آیات بیان کرده‌اند، چنین ظاهر است که حدیثی را در تفسیر قرآن کارآمد می‌داند که به محکمت نقل، یعنی آیات و روایات، عرضه شود و دلایل عقلی آن را حمایت کند و افزون بر تعارض نداشتن با آنها، نسبت به آیات معرفت‌بخش و ابهام‌زدا تشخیص داده شوند. (معرفت، ۱۳۸۷: ج ۱/ ص ۲۴۸)

از این روش یکی دیگر از مبانی تفسیری و حدیثی ایشان یعنی اینکه اصل بر صدور روایات تفسیری است جز آنچه با دلیل خارج شود، آشکار می‌شود. توضیح آنکه گاه نقد متن یک روایت به شیوه ایجابی از طریق بررسی علو معنا، سازگاری لفظی و معنوی متن با کلمات معصومان و نظایر آن انجام می‌شود که در واقع، بررسی سنخ‌شناسانه برای آشکار کردن اصالت متن و صحت انشعاب آن به معصوم است. با این قسم بررسی، صدور روایت از معصوم احراز می‌شود، اما اگر بررسی به شیوه‌ای سلبی باشد به این معنا که صدور را احراز نکند، بلکه نبود مانعی بر صدور را نشان دهد، اینجا باید پیشتر اصل بر صدور روایت باشد مگر آنکه مانعی در بین باشد. اینجا بررسی به منظور دانستن وجود مانع یا عدم آن است.

آیت الله معرفت در خصوص روایات تفسیری بررسی سندی را عقیم و غیر مجدی می‌داند راه دیگری هم مانند بررسی‌های مصدری یا جست و جو قرائن دیگر برای اثبات صدور حدیث پیشنهاد نمی‌کند اما برای وثوق به حدیث می‌باید که مانع نقلی و عقلی در بین نباشد. پس ایشان باید، لاقلاً در باب روایات تفسیری، اصل را بر این گذاشته باشد که «کلّ منسوب صادر». (اخوان صراف، بی تا: ص ۱۱۷)

این برداشت را قرینه‌ای از داخل کلام ایشان تأیید می‌کند، آنجا که عرضه به محکمت کتاب و سنت و حجت عقول را برای متشابهات از روایات لازم می‌شمرد نه تمامی آنها. (معرفت، ۱۳۸۷: ج ۱/ ص ۲۴۸).

قرینه دیگر از خارج کلام ایشان بر تأیید این برداشت این است که از مبحث تعارض روایات در دانش اصول و حدیث‌شناسی می‌دانیم که معیارهایی مانند موافقت کتاب روی طرفین تعارض اعمال می‌شود که هر دو حجت هستند و گرنه چنانکه گفته‌اند «حجت بلا حجت» و به طریق اولی لا حجت بالا حجت تعارض نمی‌کند.

گفتنی است که این استنتاج و انتساب، برخاسته از مجرد الفاظ کلام ایشان است و چه بسا در عمل روایتی را در معرض نقد متنی قرار دهد که پیشتر با قرائنی جدی از اطمینان را به صدور آن پیدا کرده باشد که در این چنین فرضی نسبت مبنای پیش گفته به ایشان دقیق نخواهد بود. (اخوان صراف، بی تا: ص ۱۱۸).

### مهمترین اصول و معیارهای نقد محتوایی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت

آیت الله معرفت معیار اساسی در نقد متنی و محتوایی روایات را عرضه روایات بر محکمت دین می‌داند. ایشان در این زمینه می‌نویسد: «معیار نخست برای تمییز روایت قوی از ضعیف، عرضه بر محکمت دین است. نظیر عرضه متمشابهات قرآن بر محکمت آیات و مقصود از کتاب در اینجا کنایه از محکمت دین و ضروریات عقل است که شامل سنت قطعی و برهان عقل می‌شود. پس هرچه موافق آنهاست، استوار و صحیح است و هرچه مخالف آنهاست، نادرست به شمار می‌آید». (معرفت، ۱۳۸۷ش: ج ۱/ ص ۲۱۹).

### عرضه روایات بر قرآن

اصلی‌ترین و مهم‌ترین معیار نقد محتوایی، عرضه روایات بر قرآن است. آیت الله معرفت، قرآن را مهم‌ترین ملاک ارزیابی روایات می‌داند و در این باره می‌نویسد: «از آن رو که احادیثی که از گذشتگان به ما رسیده، نقش اساسی در تفسیر و فهم معانی قرآن دارند باید دید آیا در طول زمان، سلامت، زلالی و خالصی آنها پایدار مانده است؟ این مطلب توجه دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده است و موجب شده که مرز شناخت احادیث صحیح از ساختگی را مشخص کنند و مهم‌ترین آن مرزها مطالبی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن توجه داده که عبارت از عرضه روایات بر کتاب خدا و آیات محکم آن است، بر این اساس، روایاتی که موافق کتاب خدا باشند، حق هستند و آنچه مخالف آن باشد باطل است». (همان)

مخالفت حدیث با قرآن سه صورت دارد:

الف) مخالفت به صورت عام و خاص مطلق

ب) مخالفت به صورت عام و خاص من وجه

ج) مخالفت تباینی که با صریح قرآن مخالف باشد.

آیت الله معرفت پس از بیان اینکه، مورد اول و دوم در واقع مخالفت محسوب نمی‌شود بلکه قابل جمع عرفی و تخصیص است، می‌گوید: «اما مورد سوم یعنی مخالفت تباینی اساساً معقول نیست، زیرا جاعلان حدیث اینقدر می‌فهمند که اگر احادیث ساختگی آنها به صورت تباینی با قرآن مخالف باشد، کسی آنها را نمی‌پذیرد. بنابراین مقصود از مخالفت تباینی، مخالفت حرفی و لفظی نیست بلکه مخالفت جوهری مراد است. یعنی اگر حدیثی با روح اسلام و مقاصد شریعت و صمیم دین به صورت تباینی مخالف بود، دور ریخته می‌شود». (همان: ص ۲۲۲-۲۲۵)

بنابراین براساس مبنای آیت الله معرفت، احادیث عرض، به مخالفت تباینی ناظر است (حکیم زاده، معارف، بهار ۹۳: ص ۵۹؛ رضایی اصفهانی، بی تا: ص ۱۸۳ - ۱۸۱؛ رجایی، بی تا: ص ۳۷۶ - ۳۷۵؛ فرزند وحی، لطیفی، نجات نژاد، بی تا: ص ۹۸؛ شهیدی، توسلی، بهار و تابستان ۹۴: ص ۳۷) و شامل احادیثی که نه موافق کتابند و نه مخالف، بلکه از این نظر ساکتند، نمی‌شود، بلکه در آن صورت از باب تأویل شمرده شده و از آن به عنوان جری و تطبیق و یا انتزاع مفهوم عام از آیه (بطن) یاد می‌شود. (فرزند وحی، لطیفی، نجات نژاد، بی تا: ص ۹۸)



## عرضه روایات بر سنت قطعی

عرضه روایات بر حدیث معتبر، نکته‌ای است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یاران خود را به آن متنبه ساخته‌اند و ائمه معصوم (علیهم السلام) نیز بر آن تأکید کرده‌اند: «از ما سخنی را که برخلاف قرآن باشد، نپذیرید، چراکه ما چون سخن بگوییم، در موافقت با قرآن و سنت سخن خواهیم گفت. ما از خداوند و رسول گرامی‌اش حدیث می‌گوییم. همانا سخن آخرین ما مانند کلام اولین ماست و کلام اولین ما مؤید کلام آخرین ماست. پس اگر کسی آمد که جز این بر شما روایت کرد، سخنش را به خودش بازگردانید». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲/ ص ۲۴۹-۲۵۰)

بیشتر علما و اندیشمندان، عرضه بر سنت را دومین ملاک ارزیابی حدیث می‌دانند. برخی از آنان سنت را به صفتی همچون تواتر یا استفاضه مقید کرده‌اند. (سبحانی، بی تا: ص ۶۰)

آیت الله معرفت در بیان روش خویش در مقدمه التفسیر الاثری الجامع، عرضه روایات تفسیری به سنت را بیان کرده و در تفسیر از آن بهره برده است. (حکیم زاده، معارف، بهار ۹۳: ص ۶۱؛ رجایی، بی تا: ص ۳۷۷ - ۳۷۶؛ فرزند وحی، لطیفی، نجات نژاد، بی تا: ص ۱۰۱)

از جمله درباره آیه (حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى) (بقره/ ۲۳۸) روایت‌هایی از صحابه و تابعین و روایتی را هم گروهی از زبان امام علی (علیه السلام) آورده‌اند که نماز وسطی همان نماز عصر است که سلیمان در آن کوتاهی کرد تا اینکه خورشید غروب کرد. آیت الله معرفت این روایت را متضاد آنچه که قبلاً از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی (علیه السلام) گفته شده بود که نماز وسطی همان نماز ظهر است، می‌داند. همچنین در آن اشاره به قصد اسطوره‌ای شده که فداست پیامبران خدا را زیر سؤال می‌برد. (معرفت، ۱۳۸۷ش: ج ۶/ ص ۱۱۴-۱۱۵)

## عرضه متن روایات بر اصول و بدیهیات عقلی

یکی از راه‌های شناخت روایات درست از نادرست، مخالفت روایت با عقل است که عموم پژوهشگران و محققان اسلامی در میان اهل سنت و شیعه آن را معتبر می‌شمارند. علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۳/ ص ۳۳۹) و آیت الله سبحانی (سبحانی، بی تا: ص ۶۴-۶۵) از شیعه مخالفت روایت با عقل را دلیلی برای عدم پذیرش آن دانسته‌اند. همچنین صبحی صالح (صالح، ۱۳۷۹ق: ص ۲۶۵) از علمای اهل تسنن آن را از ملاک‌های ارزیابی روایت می‌دانند.

آیت الله معرفت روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که: «إِذَا أَتَاكُمْ عَنِّي حَدِيثٌ فَأَعْرِضُوهُ عَلَي كِتَابِ اللَّهِ وَ حُجَّةِ عُقُولِكُمْ فَإِن وَافَقَهُمَا فَاقْبَلُوهُ وَ إِلا فَاضْرِبُوا بِهِ عَرْضَ الْجِدَارِ، (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵/ ص ۳۳۳ و ج ۱ ص ۲۲)؛

اگر چیزی از ما به شما رسید آن را به کتاب خدا و عقل‌هایتان برگردانید اگر موافق آنها بود آن را بپذیرید وگرنه آن را به دیوار بزنید».

بدین معنا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عقل را در کنار کتاب خدا، معیاری برای تشخیص سلیم از سقیم قرار داده است. (معرفت، ۱۳۸۷ش: ج ۱/ ص ۲۲۵)

آیت الله معرفت ذیل برخی روایات در باب چگونگی نزول «بسمله» می‌گوید:

«می‌دانیم از همان آغاز نزول و با آیات آغازین «بسم الله الرحمن الرحيم» نیز نازل شده است و این روایات ساختگی هستند و هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که بسمله بدین گونه نازل شده باشد». (همان: ص ۳۵۶)

این سه مورد، یعنی عرضه بر قرآن، سنت قطعی و عقل ملاک‌های اصلی آیت الله معرفت است که در ارزیابی روایات در مقدمه التفسیر الاثری بدان تصریح کرده است (رجایی، بی تا: صص ۳۷۸ - ۳۷۷؛ حکیم زاده، معارف، بهار ۹۳: ص ۶۲؛ فرزند وحی، لطیفی، نجات نژاد، بی تا: ص ۱۰۴)، ولی معیارهای دیگری نیز وجود دارد که ایشان از آنها بهره گرفته که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

### اصول و معیارهای کم‌کاربرد نقد محتوایی روایات تفسیری توسط آیت الله معرفت

#### عرضه متن روایت بر واقعیات مسلم تاریخی

یکی از راه‌های شناخت روایت موضوع، مخالفت قطعی روایت با تاریخ است. وقتی در تاریخ مطلبی به روشنی ثابت شد که نتوان آن را انکار کرد و در روایت مطلبی باشد که خلاف تاریخ است، انسان به وضع روایت اطمینان پیدا می‌کند. یک دسته از وقایع تاریخی قوت و اعتبار فراوانی دارد و از مسلمات و محکمت تاریخی است. اخبار و احادیثی که با این واقعیات در تضاد باشند، مورد قبول واقع نمی‌شوند هرچند سندشان صحیح باشد. (فرزند وحی، لطیفی، یوسف نجات نژاد، بی تا: ص ۱۰۳) از جمله:

بخاری و مسلم در صحیح خود به نقل از سعید بن مسیب آورده‌اند که چون وقت وفات ابوطالب فرا رسید، پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بر او وارد شد. ابوجهل و عبدالله بن ابی امید نیز نزد وی بودند. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود ای عمو بگو: «لا إله إلا الله؛ هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست». «بگو تا نزد خدای تعالی با این سخت به نفع تو احتجاج کنم». ولی ابوجهل و عبدالله به او گفتند: «ابوطالب آیا از آیین عبدالمطلب روی برمی‌گردانی؟» پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «مادامی که نهی نشوم برای تو استغفار خواهم کرد». در پی این ماجرا آیه زیر نازل شد: «ما كانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ». (توبه/۱۱۳؛ بخاری، بهار ۱۳۸۴: ج ۲/ص ۱۳۶۰)

آیت الله معرفت در نقد روایت می‌نویسد: «این پندار و دروغ باطل را این تحقیق تاریخی رد می‌کند که ابوطالب در حالی که پشتیبان و بازوی قوی برای رسول خدا بود، سه سال قبل از هجرت از دنیا رفت. اما آیه سوره براءت در سال نهم هجری یعنی ۱۲ سال بعد از وفات ابوطالب نازل شد. علاوه بر این، تحقیق تاریخی دلایل فراوانی هم بر اسلام ابوطالب وجود دارد. و جز کسانی که کینه‌های عمیق بر اسلام و مسلمین دارند، کینه‌هایی از جنگ بدر و حنین، کسی دیگر قائل به کفر ابوطالب نیست». (معرفت، ۱۴۱۰ق: ج ۱/ص ۲۴۹)

#### متن روایت بر علوم تجربی

دانش بشری به ویژه آن قسمت از علوم که با تجربه و حس سر و کار دارد، راه ترقی و پیشرفت را در پیش گرفته است و به برخی از واقعیات و قطعیات دست یافته که هر انسان عاقلی ناگزیر آن را می‌پذیرد. باید گفت که در اینجا هر فرضیه علمی و ترجیح آن بر حدیث متعارض مقصود نیست. بلکه منظور فرضیه‌هایی است که به صورت قانون قطعی درآمده‌اند. چنانکه امروز هیچ انسانی در اینکه زمین دارای جاذبه است و به دور خورشید می‌گردد، شک ندارد. (معرفت، بی تا: ص ۶۰)

آیت الله معرفت در این زمینه می‌گوید: «شرط استفاده از این علوم این است که اولاً به حد کمال رسیده باشند. ثانیاً دقیق به کار برده شوند. ثالثاً از داده‌های مسلم این علوم استفاده کرده و در تفسیر به صورت احتمال مطرح شود». (فرزند وحی، لطیفی، نجات نژاد، بی تا: ص ۱۰۶)



از جمله: آیت الله معرفت در ذیل آیه «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» (بقره / ۲۲) روایاتی را آورده است که با خیال بافی‌های کودکانه، در باره ابرها و نحوه‌ی شکل‌گیری باران و نزول آن سخن به میان می‌آید، از جمله در روایتی از تفسیر ابن ابی حاتم می‌خوانیم:

«السَّحَابُ غُرْبَالُ الْمَطَرِ وَلَوْلَا السَّحَابُ حِينَ يَنْزِلُ الْمَاءُ مِنَ السَّمَاءِ لَأَفْسَدَ مَا يَقَعُ عَلَيْهِ مِنَ الْأَرْضِ وَالْبَدْرُ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ؛ ابر غربال باران است و اگر ابر نبود، آن هنگام که آب از آسمان فرو می‌آید، بر هر قسمتی از زمین که فرو می‌آید، فاسد و خراب می‌کند. بدر از آسمان نازل می‌شود». (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ج ۱/ص ۲۷۵)

آیت الله معرفت پس از نقل این روایات می‌نویسد: «اینها ساخته و پرداخته ذهن‌های ساده و سطحی‌نگر افرادی است که از علم و تحقیق بهره‌ای نداشتند و توهمات خویش را به عنوان روایت ارائه می‌کردند». (معرفت، ۱۳۸۷ش: ج ۲/ص ۲۲۱-۲۲۲)

### بررسی صدور روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت

در این روش، روایت از نظر جهت صدور بررسی می‌شود که آیا معصوم (علیهم السلام) این روایت را در شرایط تقیه گفته است یا خیر. به عبارت دیگر روایت نظر واقعی معصوم (علیهم السلام) است یا خیر. البته بحث تقیه بیشتر در مباحث فقهی مطرح می‌شود ولی گاهی در روایات تفسیری فقهی نیز این بحث وارد می‌شود. (رضایی اصفهانی، بی تا: ص ۱۷۰)

آیت الله معرفت مشکل دشواری یا ناسودمند بودن بررسی سندی احادیث تفسیری به خاطر آفات عارض شده بر این دسته احادیث را با بررسی متنی حل‌شدنی می‌بیند و آن گاه برای این منظور روش‌هایی پیشنهاد می‌کند که چنان واضح یا دقیق نیست. اعتبارسنجی روایاتی که اسانید مرتبی ندارند، ظاهراً به روش‌ها و ابزارهای متعددی انجام نشدنی است و منحصر به بررسی متنی نیست.

توضیح آنکه به لحاظ فنی پیش از نوبت رسیدن به بررسی متنی، بررسی مصدر جا دارد، به این معنا که مثلاً حدیثی مرسل به خاطر نقل یکی از اجلاء یا آمدن در کتاب آنها معتبر می‌شود، چراکه مثلاً درباره آنها عبارت «لایرسلون و لایرون إلیا عن ثقه» آمده یا کتابشان به امام معصوم (علیهم السلام) عرضه شده و امام بر صاحب آن ثنا فرموده است.

پس مثل سایر احادیث بعد از ناامیدی از سند و پیش از رفتن سراغ متن، راه‌هایی دیگری برای ارزیابی حدیث تفسیری وجود دارد که توجه به آنها پیش یا در کنار پیشنهاد آیت الله معرفت، می‌تواند سودمند باشد و قرینه غیر از سند، منحصر به متن نیست. (اخوان صراف، بی تا: ص ۱۱۸)

### نتیجه‌گیری

۱. آیت الله معرفت معتقد است که در ارزیابی روایات تفسیری بررسی سندی نقش درجه اول ندارد و چندان سودمند نیست.
۲. البته ایشان به کلی منکر نقش بررسی سندی نیست اما برای آن نقشی ثانوی قائل است.
۳. ایشان نقد متنی روایات را مهمتر از نقد سندی می‌داند.
۴. طبق نظر آیت الله معرفت سند روایت به عنوان قرینه‌ای در کنار قرائن دیگر تعیین تکلیف روایت نقش دارد.
۵. طبق نظر آیت الله معرفت ابتدا متن روایت بررسی می‌شود اگر کاملاً قابل قبول بود، هر قدر هم سند ضعیف باشد، پذیرفته می‌شود ولی اگر روایت از نقد متن مردود بیرون بیاید هر چقدر هم سند قوی باشد کمکی به پذیرش روایت نمی‌کند.
۶. به دست آوردن معیارهای دقیق متنی آیت الله معرفت چندان آسان نیست.

۷. مهمترین معیارهای نقد متنی از نظر آیت الله معرفت: عرضه روایت بر قرآن، عرضه روایت بر سند قطعی، عرضه متن روایت بر اصول و بدیهیات عقلی.
۸. معیارهای دیگری نیز توسط آیت الله معرفت استفاده شده است از جمله: عرضه متن روایت بر مسلمات تاریخی، عرضه متن روایت بر علوم تجربی قطعی.
۹. آیت الله معرفت مهمترین معیار ارزیابی روایات را قرآن کریم می‌داند و معتقد است اگر روایتی با قرآن مخالفت کند کنار گذاشته می‌شود.
۱۰. مخالفت روایت با قرآن سه صورت دارد: مخالفت به صورت عام و خاص مطلق، مخالفت به صورت عموم و خصوص من وجه، مخالفت تباینی.
- ایشان معتقد است حالت اول و دوم مخالفت محسوب نمی‌شود و قابل جمع عرفی است. ایشان مخالفت نوع سوم را معقول نمی‌داند و معتقد است که جاعلان حدیث می‌دانند که اگر روایت به صورت تباینی مخالف قرآن باشد پذیرفته نمی‌شود.
۱۱. مقصود از مخالفت تباینی، مخالفت لفظی نیست بلکه مخالفت جوهری مراد است یعنی با روح اسلام و مقاصد شریعت مباین باشد در این صورت روایت دور ریخته می‌شود.
۱۲. یک دسته از وقایع تاریخی قوت و اعتبار دارد و از مسلمات است اگر حدیث و روایتی با آن مخالفت کند، مورد قبول واقع نمی‌شود ولو سند صحیحی داشته باشد.
۱۳. شرایط استفاده از علوم تجربی در بررسی روایات:
- (الف) به حد کمال رسیده باشند.
- (ب) دقیق به کار برده شود.
- (ج) از داده‌های مسلم این علوم استفاده شود.
- (د) به صورت احتمال مطرح شوند.
۱۴. آیت الله معرفت معتقد است که بعد از بررسی سندی و پیش از رسیدن به متن، بررسی مصدري جا دارد. یعنی اگر روایت را یکی از اجلاء نقل کرده یا در کتاب آنها آمده باشد، معتبر می‌شود یا اینکه امام(علیه السلام) از کتاب ایشان ثنا گفته باشد. در این صورت روایت پذیرفته می‌شود ولو از نظر سندی ضعیف باشد.

## منابع

### \* قرآن

#### الف: کتاب های فارسی

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (بهار ۱۳۸۴). مختصر صحیح بخاری (چاپ اول). اختصارکننده: زین الدین احمد بن احمد بن عبداللطیف الشرحی الزبیدی، ترجمه عبدالقادر ترشابی. زاهدان: انتشارات حرمین.
۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران (چاپ اول). قم: موسسه انتشاراتی التمهید.
- ب: کتاب های عربی
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (چاپ سوم). ریاض: ناشر مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. سبحانی، جعفر (بی تا). الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، بی جا: کتابخانه مدرسه فقهات.

۵. صالح، صبحی (۱۳۷۹ق). علوم الحديث و مصطلحه، دمشق: مطبعة جامعه دمشق.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: ناشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه.
۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار، بیروت: ناشر دار احیاء التراث العربی.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۷ش). التفسیر الاثری الجامع (چاپ اول). قم: ناشر مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق). التمهید فی علوم القرآن (چاپ سوم). قم: ناشر حوزه علمیه قم.

### ج: مقالات

۱۲. اخوان صراف، زهرا، «تحلیل دیدگاه‌ها و مبانی آیت الله معرفت در کاربرد، دامنه و اعتبارسنجی روایات تفسیری»، علوم حدیث، شماره سوم، سال بیست و سوم.
۱۳. حکیم زاده، فاطمه، معارف، مجید (بهار ۹۳)، «اعتبارسنجی روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت با رویکرد ارزیابی روایات «التفسیر الاثری الجامع»»، کتاب و سنت، شماره ۲.
۱۴. رجایی، طاهره (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، «روش آیت الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۰ - ۵۹، سال پانزدهم.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «اعتبارسنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت الله معرفت»، حدیث پژوهی، شماره ۸، سال چهارم.
۱۶. شهیدی، روح‌الله، توسلی، راضیه (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «جستاری در معیارهای اعتبارسنجی روایات تفسیری شیعه»، حدیث و اندیشه، شماره نوزدهم.
۱۷. فرزند وحی، جمال، لطیفی، جمیل، نجات نژاد، یوسف (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «مبانی نقد متنی احادیث در تفسیر اثری جامع آیت الله معرفت»، عیون، شماره ۱، سال اول.
۱۸. مسعودی، عبدالله (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «روایات تفسیری ضعیف السند؛ چستی، روش تعامل و کارآمدی»، تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)، شماره دوم، سال دوم.
۱۹. معرفت، محمدهادی (زمستان ۱۳۸۳)، «نوآوری و نظرات جدید در گفتگو با آیت الله معرفت»، بینات، شماره ۴۴، سال یازدهم.